جایگاه روش در نظام آموزشی حوزه علمیه

علی ستاری

مقدمه

نوشتار حاضر در پی به دست دادن توصیفی مختصر از نظام آموزشی حوزه و روش شناسی (متدولوژی) آن است. در آغاز، کلیاتی در باره اهداف و کارکردهای نظام آموزشی حوزه ارائه خواهد شد. سپس به روش های آموزشی در حوزه علمیه، از دو بعد روش های فرایندی و روش های ساختی خواهیم پرداخت.

«روش شناسی نظام آموزشی حوزه»،اطلاعات لازم را در شناسایی نقاط قوت و ضعف روش های به کار رفته، به دست می دهد. این اطلاعات، می تواند دست مایه و کمک کار برنامه ریزان آموزشی و درسی، و در نهایت مدیریت محترم نظام آموزشی حوزه علمیه، برای افزایش کیفیّت فعّالیت های آموزشی و پژوهشی باشد.

مفاهیم و اصطلاحات

1.روش

روش روش را در معنا، با کلماتی چون: شیوه، متد و فن، برابر دانسته اند. در فرهنگ فارسی دکتر معین، روش به اسلوب، راه و طریقه نیز معنا شده است. در یک برداشت کلی، «راه انجام دادن هر کاری» را روش می گویند.

2. نظام

معمولاً در یک نظام، با مفاهیمی چون: اجزا،کل، رابطه و تأثیر دو جانبه اجزا و کل، وحدت و هماهنگی و نقش اجزا و کل سروکار داریم؛ بدین سان، می توان نظام را این گونه تعریف کرد: «نظام، مجموعه ای از اجزاست که در رابطه و تأثیر متقابل با یکدیگر قرار دارند و یک کل یکپارچه را تشکیل می دهند و برای رسیدن به هدفی مشخص در حال تکامل اند.»

3.نظام آموزشی

با توجه به مفهوم نظام، «نظام آموزشی، مجموعه ای پیچیده و مرکب از اجزا و زیرنظام ها است که به گونه ای سازمان یافته که تا در اثر تکامل مداوم، هدف های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد». زیر نظام ها شامل مدارس، کلاس ها، ادارات و غیره.

4. نظام آموزشی حوزه علمیه

نظام آموزشی حوزه علمیه، مجموعه ای است از: قوانین و مقررات آموزشی و پژوهشی، منابع انسانی و مالی، برنامه های آموزشی و درسی، فرایند تدریس، یادگیری، عوامل ساختی و سازمانی، که به صورت یکپارچه برای رسیدن به اهداف مصوَّب حوزه در حال تعامل هستند.

5. حوزه علمیه

حوزه علمیه در معنای کلی، به تمامی مدارس، مراکز و مؤسساتی گفته می شود که دروس و علوم دینی را آموزش می دهند. در این مقاله، منظور از حوزه علمیه، مجموعه ادارات و مدارس زیر پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم است.

اهداف نظام آموزشی حوزه علمیه

اهداف نظام آموزشی حوزه علمیه فراگیر و بسیار گسترده است. گستره اهداف نظام آموزشی حوزه علمیه به همان گستردگی اهداف نظام تربیتی دینی و الهی است. بنابراین، تعیین چهارچوب برای اهداف نظام آموزشی حوزه، کار بسیار دشواری است. در این پژوهش، پس از بررسی های بسیار، گفتارهایی در باره اهداف این نظام به دست آمد، لیکن هر یک از آن ها نقاط ضعف و نواقصی دارند. به طور کلی، می توان گفت اهداف نظام آموزشی حوزه، مبتنی بر هدف های آموزشی قرآن کریم، احادیث نبوی و ائمه معصومین علیهم السلام و سیره آنان است. بنابراین، هدف های آموزشی در مدارس علوم دینی و حوزوی را می توان به شرح زیر بیان کرد:

1 . آشنایی با مبانی توحید؛

2 . آشنایی با قرآن؛

3 . آشنایی با اخبار و احادیث معتبر اسلامی؛

4 . پرورش قدرت استنباط احکام اسلامی در طلاب علوم دینی؛

5 . آشنایی با علوم مقدماتی چون: مبانی صرف و نحو، و معانی و بیان در زبان و ادبیات عربی؛ اصول فقه، به منظور درک بهتر مفاهیم و احکام اسلامی؛ فقه، و آرا و نظریات فقها.

کارکرد نظام آموزشی حوزه

کارکردها و وظایف نظام آموزشی حوزه را می توان در سه زمینه اصلی و عمده زیر، برشمرد: کارکرد آموزشی، کارکرد پژوهشی و کارکرد تربیت نیروهای انسانی است.

1. کارکرد آموزشی

«آموزش» یکی از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی است و به طور معمول طی فرایندی به نام « تدریس ـ یادگیری» صورت می گیرد. در فرایند تدریس ـ یادگیری، استاد و مربی در یک طرف طیف و مخاطبان آموزشی در طرف دیگر طیف آموزش قرار دارند. فرایند آموزشی را استاد پیش بینی و برنامه ریزی می کند. محصول این برنامه ریزی تهیه «طرح درس» است. استاد براساس طرح درس، خود را از قبل، برای تدریس آماده می سازد و گام های تدریس ـ یادگیری را در همان مسیر مشخص شده در طرح درس می پیماید. یادگیری محصول نهایی فرایند تدریس ـ یادگیری است که به طور معمول، به صورت تغییراتی در ساخت شناختی، گرایش ها و توانش های یادگیرندگان ظهور می یابد.

سابقه کارکرد آموزشی به این صورت، در حوزه علمیه، از عمر تشکیل رسمی این حوزه فراتر می رود و به عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باز می گردد. به لحاظ تاریخی، نخستین جلوه های تعلیم رودرور که جنبه تدریس ـ یادگیری داشته، را می توان در دوران دعوت پنهانی پیامبر یافت. پیامبر در خانه های اوّلین گروندگان به دین اسلام، جلساتی تشکیل می داد و آموزه های قرآن را به ترتیب نزول آیات، به پیروان خویش می آموخت. بدین سان، آن حضرت از همان روزهای نخستین رسالت خود به آموزش پیروان خود همت می گمارد؛ چنان که خود می فرماید: بِالَتّعلیمِ اُرْسِلْتُ و در جایی دیگر می فرماید: انّی بُعثْتُ مُعلِّما.

بعدها پیامبر این روش را با ایجاد حلقه های درس - برای اوّلین بار - به صورت رسمی، در مساجد پی گیری کرد. این جلسات در مسجد النبی صلی الله علیه و آله ، مسجدالحرام و بعدها مسجد جامع کوفه، مسجد الاقصی، مسجد جامع فطاط، تشکیل می شدند.

قرآن کریم نیز امر آموزش را از جمله وظایف و رسالت های پیامبر می شمارد: «ربّنا و ابعث فیهم رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلّمهم الکتاب و الحکمه و یزکّیهم انّک انت العزیز الحکیم.»

آیین مقدس اسلام نظامی هدایت گر است که تمامی مظاهر زندگی انسان را فرا می گیرد؛ از این رو، توجه به معارف اسلامی و مطالعه و تعلیم آن، برای همه افراد جامعه اسلامی ضروری است و تعلیم و آموزش، نخستین گام اشاعه اندیشه های اسلامی در بین افراد جامعه به شمار می رود. از اینجاست که آموزش در اسلام برای دعوت به دین اسلام و رساندن پیام الهی، بر امور دیگر مقدم گردیده و با وعظ و ارشاد دینی درآمیخته است.آموزش های سده اول هجری که مواعظ دینی، تربیت های روحی، آشنا سازی مردم با احکام دینی، بیان حلال و حرام و بینش دهی به مردم نسبت به احوال دنیا و آخرت را در بر می گرفت، می توان از این دست به شمار آورد.

مدرسه علمیه که طلاب علوم دینی در آن به تعلیم و تعلم می پردازند، از جمله مستحدثات سده چهارم هجری به شمار می آید. ابوغنیمه در توصیف تاریخ دگرگونی و پیشرفت نظام آموزش اسلامی می نویسد: « با آنکه مدرسه از جمله مستحدثات سده چهارم هجری به شمار می آید، این پدیده علمی و آموزشی در حقیقت محصول گام های بسیاری بود که پیش از آن تاریخ برداشته شده بود و مدرسه، نتیجه همه مظاهر تعلیمات اسلامی پیش از خود، از جمله مساجد بود که برخی از ویژگی های آن در مدرسه محفوظ مانده است. همچنین دیگر دارالعلم ها از جمله تأسیس کتابخانه، به اقتباس از آن صورت گرفته است. مدارس، نتیجه کوشش های بی شماری، در مسیر فعالیت های آموزشی در خارج از مدارس بود. برای جبران نواقصی که در مراکز پیش از مدرسه وجود داشت، مؤسّساتی مخصوص، برای نشر دانش و گسترش دامنه علم و رسیدگی به وضع طلاب، از جمله تأمین مسکن برای ایشان، تأسیس شد.»

به این ترتیب، کار آموزشی مساجد، به مدارس نیز کشیده شد و حوزه های علمیه امروزی شکل گرفتند.

همچنان که ملاحظه می شود، آموزش که یکی از وظایف و کارکردهای ویژه نظام آموزشی است، ریشه در تعلیمات اولیه پیامبر در آغاز دعوت به اسلام دارد و شیوه ای است که پس از آن در مساجد، برای هدایت و ارشاد مردم به کار گرفته شده و بعدها به صورت یک روش اختصاصی برای تربیت طلاب علوم دینی، محدوده خود را به خارج از مساجد گسترش داده است.

2. کارکرد پژوهشی

در قرآن کریم، بارها بر جنبه های عقلانی و فکری انسان اشاره و تأکید شده است. تأکید اسلام بر این جنبه های عقلانی، بهره گیری از ابعاد فکری و عقلی، در فرایند کسب دانش و معلومات دینی و حل مسائل علمی و دینی پیش آمده را اهمیت ویژه ای داده است. قرآن انسان را از پذیرش آنچه که به آن علم ندارد، نهی می کند: وَلا تَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْم؛ به آنچه که علم نداری، پای بند مباش. هم چنین، خداوند انسان را به تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین دعوت می کند و می فرماید: «... و یتفکّرون فی خلق السموات والارض ...» حضرت علی علیه السلام نیز تفکر را با ارزش تر از علم و دانش می شمارد و می فرماید: «لا علم کالتفکّر» نیز، آیات بسیار که در قرآن کریم به «یعقلون» و «یتفکّرون» ختم می شود، اهمیّت بعد فکری و عقلانی انسان را نمایان می سازد.

بهره گیری از تفکر و گرایش به عقلانیّت، سابقه ای طولانی در حوزه علمیه دارد. به طور کلی، در کنار کارکرد آموزشی و تعلیمی، آنجا که پای حل مسائل دینی، تفقّه، بیان مسائل مربوط به احکام عملی و غیره به میان آمده، حوزه علمیه به کارکرد پژوهشی پرداخته است. بهره گیری از روش های قیاس، استقرا، مباحثه، سؤال و جواب، مناظره، جدل، مناقشه و در مراتب بالاتر، فقاهت و اجتهاد، از مصادیق کارکرد پژوهشی حوزه به شمار می روند.

3 . کارکرد تربیت نیروی انسانی

تربیت نیروی انسانی از جمله کارکردهای اصلی همه نظام های آموزشی است. به طور معمول، فارغ التحصیلان هر نظام آموزشی، برون داد اصلی این نظام ها شمرده می شوند.

در حوزه علمیه نیز، طلاب را پس از گذراندن مقاطع تحصیلی می توان برون داد نظام آموزشی حوزه به حساب آورد. هر چند طلاب پس از اتمام مقاطع تحصیلی نیز همچنان به کسب معارف و دانش های دینی ادامه می دهند، ولی نظام آموزشی حوزه از یک طرف و ملاحظات معیشتی از سوی دیگر، باعث می شود طلاب در مناصبی متناسب با کسوت طلبگی به اشتغال بپردازند. این فعالیت ها در دو زمینه کلی تعلیم و تربیت عمومی، و وعظ و ارشاد صورت می گیرد. حوزه های علمیه، نیروهای لازم برای مساجد، مجالس مذهبی، مدارس دینی، سازمان های آموزشی و فرهنگی، نیروهای مسلح، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضائیه، قوه مقنّنه، مرجعیّت، و تحقیق و تدریس را تأمین می کنند. بنابراین، می توان گفت که یکی از کارکردهای اصلی نظام آموزشی حوزه علمیه، تربیت نیروی انسانی لازم برای حوزه های علمیه و سایر نهادها و ارگان ها است.

کاربرد روش در نظام آموزشی حوزه علمیه

روش های موجود به کار گرفته شده در نظام های آموزشی تا حد زیادی مشابه هم اند؛ لیکن در بهره گیری از این روش ها، تفاوت هایی وجود دارد. نظام آموزشی حوزه علمیه، تا حدی در به کارگیری روش ها، متفاوت با سایر نظام ها عمل می کند. به طور کلی، روش های نظام آموزشی در حوزه به دو دسته روش های فرایندی و روش های ساختی تقسیم می شود.

الف) روش های فرایندی

روش های فرایندی، شامل روش هایی است که در طول فرآیند اصلی آموزش، یعنی فرایند تدریس ـ یادگیری و فرایند مطالعه ـ تحقیق به کار می رود. در زیر به بررسی مصادیق این روش ها می پردازیم:

1 ـ روش سخنرانی

در روش سخنرانی، از بیان شفاهی برای توضیح و تفهیم مطالب استفاده می شود. بهره گرفتن از شیوه سخنرانی، سابقه ای بسیار طولانی در نظام آموزشی حوزه علمیه دارد و در دوران صدر اسلام، در مساجد و منابر استفاده از این شیوه رایج بود. در روش سخنرانی، استاد بدون وقفه، در کلاس درس صحبت می کند و مخاطبان آموزشی به سخنان او گوش می دهند و احیانا یادداشت بر می دارند.

آنجا که هدف اصلی آموزش، انتقال معلومات و دانش است و همچنین، زمانی که مطالب پراکنده ای در اختیار استاد قرار دارد و نگهداری مطالب در حافظه به مدتی طولانی ضروری نیست، روش سخنرانی کاربرد دارد.

روش سخنرانی رایج ترین سنت برای فرایند تدریس ـ یادگیری است و بسیار از مدارس علوم دینی زیر پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، از این روش استفاده می کنند. حتی مدارس سنتی و حلقه های درس مراجع بزرگ نیز در فرایند تدریس ـ یادگیری از روش سخنرانی بهره می گیرند.

2 ـ روش تقریر

تقریر به معنای نوشتن است و به تنهایی، روش مستقلی شمرده نمی شود؛ امّا در درس های خارج، کاربردی ویژه دارد. البته نوشتن، در دیگر روش ها نیز به کار گرفته می شود؛ امّا منظور از تقریر در اینجا نوشتن درس های خارج حوزه است.

در این روش، مخاطبان آموزشی گفته های استاد را که در منبع خاصی وجود ندارد، تقریر می کنند. این مطالب، یافته ها و نتایج مطالعات استاد از منابع و مآخذ مربوط به بحث است و موضوع آنها به طور عمده، استنباط احکام فرعی شرعی است. در این روش، استاد نخست آرا و نظرات گوناگون را درباره مسأله، مطرح می کند و سپس به نقد و بررسی آنها می پردازد. آن گاه ادّله موضوع بحث را بیان می کند و آن ها را نیز برمی رسد. سرانجام، نتیجه را که فتوای استاد نیز هست، بیان می کند. این مباحث را مخاطبان آموزشی تقریر می کنند که ممکن است بعدها به صورت کتاب یا کتابچه ای با عنوان «تقریرات درس استاد» منتشر شود. همچنین، این تقریرات مبنای محاسبه نمره طلاب در درس خارج هم هست.

3 ـ روش سماعی (سمعی)

سماع از ریشه سمع به معنای شنیدن است. در حوزه علمیه، برخی از طلاب به روش سمعی یا سماعی و به عبارت دیگر، از طریق مواد شنیداری دروس خود را فرا می گیرند. البته این روش برخلاف نظر بعضی ها، شیوه ای تازه نیست. براساس شواهد تاریخی، روایت علم در سدّه اوّل، تنها مبتنی بر سماع بود؛ زیرا کار تدوین و نویسندگی در این دوره از تاریخ، هنوز در جامعه عربی رواج نداشت، و با اینکه متون مدوّن و پراکنده ای در عصر پیامبر وجود داشت، امّا اقدامی جامع و فراگیر در این عرصه صورت نگرفته بود. حتی برخی، از این نگرانی که مبادا نوشته های افراد با قرآن مشتبه شود، از نویسندگی روگردان بوده اند، از این رو، دانش و معلومات تنها به طور شفاهی و سینه به سینه نقل می شده است.

بنابر روایت یاقوت حموی، خلف احمر، نخستین کسی بود که سماع ادب را در بصره پدید آورد. بعدها آنچه که از روش سماع در سینه ها انباشته شده بود، به نوشته در آمد از طریق کتابت به دیگران منتقل شود و از بین نرود.

روش سماعی، امروزه، در حوزه علمیه به کار می رود؛ اما نه بنا به دلایلی که در شکل گیری این روش در صدر اسلام ذکر گردید، بلکه دلیل اصلی روی آوردن طلاب به این روش، برخی اشتغالات، یا سرعت در رسیدن به هدف های آموزشی، یا تکمیل مطالعات است. به هرحال، برخی از طلاب به تازگی به این روش رو کرده اند و برنامه ریزان آموزشی و درسی نیز تصمیماتی در باره آن گرفته، و به مرحله اجرا در آورده اند. طلابی که به صورت غیر حضوری به تحصیل اشتغال دارند، از روش سماعی استفاده می کنند.

4 ـ روش مباحثه

مباحثه، روش و یژه ای است که طلاب حوزه علمیه در فرایند تحصیلی آن را به کار می گیرند. در این روش، دست کم، دو نفر به صورت رودرور می نشستند و در باره مطالب علمی به بحث می پردازند. سابقه این روش به زمان سقراط، فیلسوف یونانی که در فاصله سال های 470 ـ 399 قبل از میلاد مسیح علیه السلام می زیسته، برمی گردد. در این روش برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان، ابتدا سؤال و جواب و مجادله شکل می گیرد؛ سپس خطاهای مخاطب مشخص می گردد و تا رسیدن به حقیقت، مکالمه و پرسش و پاسخ ادامه پیدا می یابد.

گفتنی است، روش مباحثه با روش بحث گروهی که در برخی از منابع توصیف شده، تفاوت دارد. به کاربردن روش مباحثه امروزه، فقط در حوزه های علمیه رواج دارد و نظام های آموزشی دیگر در برنامه های رسمی خود از این روش استفاده نمی کنند.

5 ـ روش روایت

روایت یکی از پایه های برنامه آموزشی اسلامی است. به گمان برخی، توجه زیاد به روایت، ریشه در طبیعت عقل عرب و توانایی کامل این قوم در نگهداری مطالب مربوط دارد، و یکی از علل آن، بی سوادی فراگیر اعراب صدر اسلام بود، به طوری که آنان راهی جز حفظ و روایت، پیش روی خود نمی دیدند.

با طلوع خورشید اسلام، قرآن و به ویژه حدیث نبوی، عمده ترین ماده روایت در میان مسلمان گردید. آنان آیات قرآن و آنچه را که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شنیدند، برای دیگران روایت می کردند. البته نگرانی از تحریف و جعل سخنان پیامبر، بزرگان دینی را بر آن داشت تا برای نگهداری آن احادیث چاره ای بیندیشند. پس از چندی، روایت در همه دانش های اسلامی مانند فقه و کلام گسترش یافت و اِسناد هم از لوازم آن شد. اِسناد عبارت بود از تحقیق و بررسی در درستی نسبت گفته ها به صاحبان آن، با در نظر گرفتن امانت و دقت. اِسناد سبب استحکام و تقویت و تضمین درستی روایت می شد.

شیوه روایت، هنوز هم در جلسات درس اساتید و مدرسان حوزه علمیه، محرک اصلی آغاز مباحث و آماده ساختن ذهن طلاب برای وارد شدن در مطلب و پیگیری مباحث به شمار می آید. روایت، ممکن است استناد به آیه یا آیاتی از قرآن کریم، یا حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، یا ائمه اطهار علیهم السلام باشد.البته، جایگاه روایت تنها آغاز مباحث حوزوی نیست و ممکن است در طول بحث نیز روایت های گوناگونی نقل شود. نکته مهم در این روش، تکوین مباحث درسی بر اساس روایت است.

6 ـ روش مناقشه

روش مناقشه پیشینه ای طولانی در آموزش های دینی دارد و هدف از آن بالا بردن توان فکری و کمک به فهمیدن و ژرف اندیشی است. در این شیوه، پرسش، نکته آغاز و محور اصلی بحث و مناقشه میان دانش پژو و استاد است. ابتدا طلبه ای از استاد، سؤالی می پرسد و استاد نیز پاسخ او را می دهد. و دراین اثنا مناقشه ای بر روی مدعای طرف مقابل در می گیرد. نکته مهم در این روش، این است که طلبه و استاد، هر دو از مقاصد آموزشی مناقشه اطلاع دارند و انگیزه های دیگر را در فرایند مناقشه دخالت نمی دهند.

ابن بطوطه، در شرح استفاده اهالی شوشتر از روش مناقشه می گوید:

از عادات پارسیان است که مسائل خود را بر کاغذ پاره ای نویسند و به سوی واعظ پرتاب کنند تا بر آن ها جواب گوید. چون این پرسش ها به سویش روانه شد، همه را در دست گیرد و با استادی و به نیکوترین روش به یکایک آن ها پاسخ گوید.

ابن خلدون در بیان اهمیت این روش، از بی توجهی به مناقشه علمی در برخی از حوزه های دینی زمان خودش یاد می کند و می گوید:

آسان ترین راه ها برای کسب ملکه و بازشدن زبان، محاوره و مناظره در مسائل علمی است... در بین جویندگان گروه کسانی یافت می شوند که پس از فراغت از کسب دانش هم ملکه آنان در دانشی که دارند ناچیز است و اگر به بحث و گفت وگو یا مناظره یا تعلیم بپردازند، به خوبی از عهده آن بر نمی آیند. منشأ این کوتاهی تنها به چگونگی آموزش و از دست رفتن آن روش تعلیمی باز می گردد. در صورتی که میزان محفوظات آنان از دیگران بیشتر است.

بر اساس مشاهدات، استفاده از روش مناقشه در کلاس ها و حلقه های درس پایه های پایین تر، کم تر به چشم می خورد؛ امّابا بالارفتن سطح پایه های آموزشی، به ویژه درس های خارج،استفاده از این شیوه بیشتر می شود.

7 ـ روش مناظره و جدل

مناظره و جدل ریشه در هزاره های باستانی دارد. از دیدگاه مسلمانان، مناظره و جدل، از کهن ترین شیوه های برخورد اندیشه به شمار می آید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود، در برابر اهل کتاب و مخالفان و دشمنان، با اقامه برهان و حجّت به مجادله می پرداخت. اساس روشِ جدل، طرح یک سؤال مخالفت آمیز، و کوشش دو طرف بحث برای ردکردن آرای هم و مخالفت با دیگری است.

این روش، در گذشته رونق بیشتری در حوزه علمیه داشت. مباحث اولیه در فقه اسلامی بر پایه محاوره شکل گرفته است و در قرن دوم هجری مناظره بهترین وسیله برای استنباط حقائق فقهی و استخراج اصول و قواعد آن، در بین فقها بوده است.

امروزه، این روش هر چند به صورت رسمی در حوزه علمیه پیگیری نمی شود؛ لیکن در بین اساتید حوزه طرفدارانی دارد. در برخی از حلقه های درس خارج نیز استفاده از این روش؛ کم و بیش، به چشم می خورد.

8 . روش مطالعه

مطالعه به شیوه سنتی، ویژه حوزه است.استاد مرتضی مطهری (ره) مراحل تحصیل طلاب علوم دینی، را چنین بیان می کند:

مرحله اول: گرفتن درس «یادگیری»

مرحله دوم: مطالعه دقیق «خواندن»

مرحله سوم: مباحثه

مرحله چهارم: نوشتن

مرحله پنجم: تدریس

مراحل یاد شده، بعد شناختی و طبقات مربوط به شکل یادگیری دانش و معلومات اساسی و مقدماتی را شامل می شود. دو مرحله مباحثه و نوشتن،تقویت کننده فرایند یادگیری در نظام آموزشی حوزه است و نقطه قوت این نظام به شمار می رود و در نظام های آموزشی غیر حوزوی کمتر به چشم می خورد. به برکت همین مراحل است که کیفیت فراگیری و یاد داری مطالب و توان مراجعه به مطالب یاد گرفته شده در هنگام نیاز، در طلاب حوزه های دینی بالاتر است. استاد مطهری، ویژگی تعمّق طلاب در یادگیری مطالب را مرهون مراحل یاد شده می داند.

9 . روش تحقیق

طلاب پس از مرحله تدریس و با حتی پیش از آن، کار پژوهش را آغاز می کنند. منظور از تحقیق در اینجا، پرداختن به فعّالیت های صرف تحقیقی، مانند تلاش برای پاسخ علمی دادن به یک سؤال، یا پژوهش در باره یک فرضیه علمی است. از این روی، روش و یا روش های تحقیق شناخته شده ای در میان طلاب،برای پژوهش وجود ندارد. بدین معنا که روش تحقیق منحصر به فرد، یا روش تحقیق تجویزی در حوزه علمیه وجود ندارد. در مقایسه با سایر نظام های آموزشی که به طور معمول از روش تحقیق دیویی در پژوهش های خود بهره می برند، استفاده از این شیوه در حوزه علمیه فراگیر نیست. تنها، به تازگی در بعضی مقاطع تحصیلی، این شیوه، در قالب درس روشِ تحقیق ارائه شده است.

البته به طور سنتی، استفاده از روش استقرا و قیاس، در تحقیقات حوزوی همواره مرسوم بوده و تحقیقات فراوانی با همین روش ها انجام شده و به مسائل متعددی پاسخ داده شده است. لیکن الگوی شناخته شده و منحصر به فردی برای طلاب آموزش داده نشده و معرفی نگردیده است.

اینک، مرکز مدیریت حوزه علمیه با تشکیل معاونت پژوهشی با هدف بالا بردن سطح کمی و کیفی و روز آمدن کردن پژوهش های حوزوی و اهداف پژوهشی دیگر، به سمت این اهداف پیش می رود.

ب) روش های ساختی

روش های ساختی به روش های برنامه ریزی، تصمیم گیری و اداره نظام آموزشی مربوط می شود. در این روش ها عبارت اند:

1 . روش برنامه ریزی

به طور کلی، برنامه ریزی در هر نظام آموزشی ابعاد زیر را فرا می گیرد: برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی مالی و تشکیلات، و غیره. در اینجا به دو جنبه از ابعاد برنامه ریزی اشاره می کنیم:

1. 1 . برنامه ریزی آموزشی

مدیریت آموزشی در حوزه علمیه سه مرحله دارد: 1 ـ برنامه ریزی 2 ـ اجرا 3 ـ نظارت. عملیاتی ساختن این مراحل به عهده معاونت آموزشی حوزه و نهادهایی مانند: شورای آموزشی، مدیریت آموزش، مدیریت برنامه ریزی آموزشی، مدیریت امتحانات، مدیریت امور مدارس و مدیریت مدارج علمی است.

1.2.برنامه ریزی درسی

برنامه های درسی در شورای عالی برنامه ریزی و با نظر متخصصان و صاحب نظران هر یک از مواد درسی تنظیم می شود. در این مرحله، سر فصل ها و مشخصات دروس، از نظر تعداد واحد (زمان لازم برای تدریس هر درس) و اهداف آموزشی، مشخص می شود و برای اجرا به مدارس و حوزه های علمیه ابلاغ می گردد. برنامه ریزی درسی مرکز مدیریت در حوزه علمیه قم، به صورت متمرکز صورت می گیرد. یعنی محتوای آموزشی به صورت یکسان تعیین و ابلاغ می شود. بنابراین، از این جهت، نوعی هماهنگی میان مدارس زیر پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه قم وجود دارد.

2 . روش مدیریت و تصمیم گیری

روش های تصمیم گیری در سازمان ها و نظام های آموزشی،از جهت میزان مشارکت دادن سطوح پایین تر در تصمیم گیری ها به دو دسته تقسیم می شود: 1 ـ تصمیم گیری متمرکز 2 ـ تصمیم گیری غیر متمرکز. هر یک از این دو روش در وضعیت های مختلف، نقاط قوت و ضعفی دارند.

تصمیم گیری، در حوزه علمیه، سالیان سال به صورت غیر متمرکز صورت گرفته است؛ بدین معنا که مرکز یا اداره خاصّی، مسئول تصمیم سازی و ابلاغ آن به مدارس نبوده است. این شیوه، سبب پراکندگی و بی نظمی و نداشتن سازماندهی مشخص، در فعّالیت های آموزشی حوزه می شد. نبود وحدت روش، عدم توزیع مناسب امکانات و منابع ،از نتایج دیگر روش غیر متمرکز بوده است. با تأسیس مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، حرکت به سمت به کارگیری روش متمرکز در مدیریت و تصمیم گیری آغاز شد. ایجاد سازماندهی، هماهنگی، برنامه ریزی، نظارت و کنترل، از جمله دستاوردهای تمرکزگرایی در مدیریت حوزه علمیه بوده است. در کنار این تمرکزگرایی، توجه به مدیریت مشارکتی، ابزار مؤثری در کیفیّت تصمیم گیری ها و عامل اثر بخشی در چگونگی اداره حوزه به حساب می آید. بنابراین، به نظر می رسد، که مدیریت حوزه علمیه، در کنار به کار گرفتن روش متمرکز در تصمیم گیری ها، بهتر است از مشارکت حوزه های صنفی نیز بهره ببرد تا تعادلی میان کیفیت و میزان مشارکت در تصمیم گیری ها ایجاد شود و تصمیمات، اجرایی تر شوند.

3 . روش ارزشیابی

ارزشیابی در نظام های آموزشی دو جنبه کلی دارد: ارزشیابی یادگیرندگان، با آزمون علمی؛ و ارزشیابی سازگار نظام آموزشی. در زیر، هر یک از این دو جنبه را در حوزه علمیه بر می رسیم:

3 . 1 . ارزشیابی یادگیرندگان (آزمون و علمی)

آزمون علمی در حوزه علمیه، تنها در پایان دوره های آموزشی صورت می گیرد و یادگیرندگان به طور معمول، عموما در طول دوره ارزشیابی نمی شوند.ارزشیابی پایانی به دو صورت کتبی و شفاهی انجام می گیرد. امتحانات پایانی سطح یکم (دروس مقدماتی) را مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، به طور متمرکز در زمان معینی برگزار می کند. در این آزمون،. بخشی از سؤال های امتحان کتبی را استاد، و بخش دیگر را مرکز مدیریت حوزه طرح می کند.

برگزاری امتحان های شفاهی و کتبی پایه های اول و دوم سطح دوم (دروس عالی)به عهده مرکز مدیریت حوزه علمیه است. برای ارزشیابی پایه سوم سطح دوم، لازم است تقریرات طلاب از درس استاد مربوط (جزوات درسی) به مرکز مدیریت حوزه ارائه شود.

4. 2 .ارزشیابی نظام آموزشی

کار ارزشیابی نظام آموزشی حوزه علمیه، در دفتر طرح و برنامه و اداره نظارت و پیگیری صورت می پذیرد. دفتر طرح و برنامه،زیر نظر مدیریت حوزه علمیه قم است.در گذشته، نظام آموزشی حوزه، مکانیسم ارزشیابی نداشت. هم اینک نیز مرکز یا واحدی که همه اجزای نظام آموزشی حوزه را به طور مستمر و با استفاده از روش های دقیق، ارزیابی نماید، وجود ندارد.البته ارزشیابی هایی به طور پراکنده، در برخی واحدها انجام می گیرد که از آن جمله است: ارزشیابی کارکنان، در دفتر طرح و برنامه؛ و ارزیابی متون آموزشی، در واحد تدوین متون آموزشی حوزه های علمیه برادران و خواهران؛ و ارزشیابی برنامه های آموزشی، در مدیریت برنامه ریزی آموزشی.

آموزش عربی نوین؛

ضرورت و اهمیت

مقدمه

نزدیک به ده قرن، از زمانی که شیخ الطائفه حوزه علمیه نجف اشرف را بنا نهاد، می گذرد. علوم اسلامی، از آن روز تا به حال، فراز و نشیب بسیاری به خود دیده است. زبان و ادبیات عربی نیز در این مدت، تحول چشمگیری یافته است. در سده های نخستین، زبانِ گفتار و نوشتار آن چنان به هم نزدیک و سرزمین بزرگ اسلامی آن گونه پیوسته بود که طالب علم با فراگیری متون صرفی و نحوی متداول و تعامل با استادان و دانش پژوهان عرب زبان، بر تکلم و مفاهمه به زبان عربی نیز مسلط می گشت؛ اما اینک تحولات ژرف ساختار، وسعت شگرف واژگان و نو به نو شدن اسلوب های این زبان، حتی دانشمندان دینی بزرگ را برای صحبتی معمولی با همگنان عرب خویش، محتاج به مترجم ساخته است؛ امری که همواره موجب تأسف خود و تعجب دیگران بوده است.

این ضعف، در گفت وگوهای رو در رو خلاصه نمی شود. هر روزه، در جهان، صدها نرم افزار فرهنگی مانند کتاب، مجله - در شکل های کلاسیک یا الکترونیک- و مقاله در زمینه های تخصصی حوزه علمیه، به زبان عربی نوین منتشر می شود؛ اما طلاب و صاحب نظران حوزه نمی توانند از این تولیدات فکری به طورکامل، استفاده کنند و در مقام نقد یا پاسخگویی برآیند. این کمبود، در عرصه تبلیغ نیز روی می نماید. البته نیاز به یادآوری نیست که مخاطبان، این «عدم پاسخگویی» و «غیبت تبلیغی» را حمل بر صحت نمی کنند!

برای جبران این کاستی، از سال ها پیش، برنامه های مختلفی - مانند قرار دادن درس مکالمه عربی در برنامه دروس رسمی پایه دوم، برگزاری دوره تابستانی مکالمه برای طلاب ممتاز و «آموزش متمرکز» در برخی مدارس- اجرا شده است؛ اما با وجود توفیق مقطعیِ بعضی از این تجربیات، هنوز چاره ای جدی و بنیادین در این باره اندیشیده نشده است.

شورای عالی حوزه علمیه قم با درک اهمیت این موضوع در بند دو بخش سیاست های آموزشی، مصوبه 428 به تاریخ 4/11/1382 بر توجه و تقویت آموزش زبان عربی و انگلیسی جهت رفع نیازهای علمی طلاب تأکید نموده است. از این رو، در این شماره از مجله، چکیده طرح تأسیس مرکز تخصصی زبان و مکالمه عربی حوزه علمیه قم که چندی پیش از سوی برخی فعالان این امر به معاونت پژوهشی مرکز مدیریت تقدیم شده است، درج می گردد. از تهیه کنندگان محترم این طرح، از تمامی متخصصان و خبرگان این بخش دعوت می نماییم نشریه پیام حوزه را از آرای خویش در این زمینه، بهره مند سازند.